



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گودآورنده
سرهنگ چیا

فصل دهم

نهضت ملی کرد

1 . نفعی که در بررسی این مسئله هست .

در پرداختن به این مسئله نمی توان حساسیت آن را نادید گرفت. آیا کرد صلاحیت و لیاقت این را دارد که دولت ویژه خود را تشکیل بدهد؟ آیا این دولت دوام خواهد

آورد؟ آیا چنین دولتی در صورت تشکیل، تبدیل به یک عامل صلح و امنیت در منطقه خواهد شد؟ آیا برعکس، بجز اینکه وضع خاورمیانه را پیچیده تر کند ثمری خواهد داشت؟ جوابهایی که به این سئوالها داده میشود ممکن است متفاوت باشد، لیکن در عین حال لزوم یافتن راه حلی برای مسئله ملی کرد همچنان به جای خود باقی است؛ زیرا اگر بنا باشد در همه تجلیات اراده ملی کردن به چشم اعمال ساده نافرمانی و یا راهزنی بنگریم این کار هم نادرست است و هم دور از عدل و انصاف. تاریخ نهضت‌های ملی کرد به ما می‌آموزد که همه جز از طریق به دست گرفتن اسلحه آغاز نشده اند و کامیابی آنها از "راهزنان": "قهرمانان ملی" ساخته است.

از این گذشته، هرگاه بعد از بررسی جنبه‌های گوناگون زندگی ملت کرد به تحقیق خود در این زمینه ادامه ندهیم و درباره مرحله فعلی تحول این ملت سکوت کنیم به هدفی که در تالیف این اثر داشته ایم کوتاه آمده ایم.

2- سه مرحله نهضت ملی.

بنابراین، نهضت ملی کرد تا اینجا سه مرحله داشته است: اول دوران نافرمانیها و طغیانهای اجتماعی و شورشهای خوانین فئودال که نسبت به امتیازات خود تعصب داشته اند. مرحله دوم وقتی است که با انقلاب ترکیه جوان تلاشهایی نیز از طرف کردن بعمل می‌آید، به منظور به دست آوردن حقوق پابندی که دیگران ویژگیهای ملی ایشان را به رسمیت بشناسند. و بالاخره، مرحله سوم در فردای نخستین جنگ بزرگ جهانی آغاز میشود که مسئله کرد بر زمینه‌های بین المللی مطرح است (معاهده سه ور - و معاهده لوزان). مرحله فعلی از تاریخ تاسیس کمیته ملی کرد (

هویبون Hoyboun) در سال 1927 آغاز می شود که از این پس باید در آن به چشم عضو مسئول بهضت نگریست؟

حال بیاییم و سیر حوادث را از روی این سه خط ترسیم کنیم.

الف) شورشها و انقلابهایی که در مجموع بدون نقشه بوده

1. شورش عبدالرحمان پاشا (1806 میلادی).

(رجوع شود به ریک Rich ، منشآت ... جلد اول، صفحه 384). عبدالرحمان پاشا برادر زاده ابراهیم پاشا بیه: بنیانگذار شهر سلیمانیه (1786) است. وی پس از آنکه حاکم ترک کوی سنجاق را به ضرب خنجر از پای در آورد و رقیب کرد خود خا-

لید پاشا را که به جای او به حکومت سلیمانیه منصوب شده بود شکست داد به ایران رفت. در بازگشت، با اینکه شاه ایران به وی کمک کرده بود از ترکان که پسران خالد پاشا با ایشان همراه بودند شکست خورد و باز به ایران پناه برد. وصف جنگهای او در اشعار فولکلور کردی (بیتها) آمده است. (رجوع شود به اسکارمان، لهجه کردی مکری، بخش دوم، صفحات 454-460، چاپ 1909 برلن).

2. شورش بلباسها (1818).

بنا به گزارشهای نظامی روسی (از جمله، گزارش ولیامینوف Veliaminov به ارمولف Ermoloo مورخ 24 آوریل 1818 و نامه مورخ 10 اوت 1818 به نسلرود Nesselro) عبا-س میرزا ولیعهد در سرکوب کردن شورشیان توفیق نیافت و متحمل تلفات سنگینی شد نزدیک به همان دوران، در سال 1815، کردهای چادرنشینهای (پاشالیک) بایزید و وان سر به شورش برداشتند شکسته شد. و کردهای چادرنشین ایران (بین ایروان و نخجوان و خوی) نیز به ایشان پیوستند. این شورش به وسیله سرعسکر ارضروم درهم شکسته شد. بنا به گفته ویچلفسکی (در کتاب سابق الذکر، صفحات 157-158) تنها به تحریک و توطئه چند تن از خوانین نبود بلکه توده های زجر و ستم روسای موروثی خود و اذیت و آزار دولتها بودند و از طرف دیگر بر اثر نفع پرستی روزافزون خویش کارشان به ورشکستگی کشیده بود و با تداوم جنگهای که مردانشان را به زیر اسلحه میبرد دچار کمبود کارگر برای گله داری و کشت و کار نیز شده بود. در سالهای 1818 و 1820 و 1822 شورشهایی از طرف کردان، خواه علیه دولت ایران و خواه برضد دولت عثمانی روی داد. در 1825 پادگان یکی از دژهای ایران تا نفر آخر از دم تیغ بیدریغ کردن گذشت.

3. کردان در زمان جنگ روس و عثمانی (1828-1829).

امیر نشینان رواندوز و بوتان و بهبهان و هکاری از شرکت در منازعه خود داری کردند بهلول پاشا، بایزیدی، در صدد با آمد تا با روسها متحد شود، در این کار توفیقی نیا-فت. امیر پاشای "موش" نیز کوشید تا خود را از زیر یوغ تبعیت ترکان بیرون بکشد ویچلفسکی این تلاشها را ناشی از احساسات روس دوستی کردها نمی داند، بلکه معتقد است که خوانین کرد دیگر نمی توانستند رعایای خود را برای کمک به ترکان مسلح کنند چون بر کندن دهقانان از زمین، در حالی که از تعداد کاگران بسیار کا-

سته شده بود کار بس دشواری بود.

در کنار این کشش اجتماعی احساسات ملی نیز تجسم می یابد. **ویچفسکی** می گوید اگر به این عوامل "راهزنی" و "بربریت" بدهیم به خطا رفته ایم. به عقیده **تروتر Trotter** (در کتاب **کردهای آسیای صغیر**) به هنگام جنگ 1828 - 1829 کردن بر اوضاع مسلط بودند. کانونهای پراکنده شورش سرانجام با هم متحد شدند تا یک آتش سوزی بزرگ قیام راه بیندازند. این قیام بر ضد فئودالهای بزرگ اعم از کردیا ترک، که تلکه کردنشان از رعایا به اقتصاد چادرنشینی لطمه می زد، رهبری شد.

"**اوباباشی**" که نطفه بورژوازی روستایی بود محرک این شورش شد، با این وصف نباید فراموش کرد که شعور ملی کرد بدوا در میان برگزیدگان یعنی در بین خوانین و اطرافیان ایشان تبلور یافت، و سپس به میان توده ها رسوخ کرد، و دراین ماجرا تنها عامل اقتصادی نبود که نقش داشت.

4. کردان و شورش مصر (1832 - 1839).

میر محمد رواندوز که چند تن از خوانین دیگر کرد نیز به او پیوسته بودند فرصت را غنیمت شمرد و بر ضد ترکان قیام کرد. ترکان محمد پاشای سیواس را لشکریانش با قوای پاشایان بغداد و موصل تقویت شده بود بشتاب به مقابله با او فرستادند. میرمحمد مغلوب و به قسطنطنیه فرستاده شد و در آنجا مورد عفو قرار گرفت. به روایت دیگر در بازگشت از آنجا به قتل رسید. **مولتکه** که در آن هنگام **سروان جوانی** در خدمت ارتش عثمانی بود علاقه خود را نسبت به شورشیان کرد پنهان نمیدارد دارد، و مثلا توجه کنید که با چه عباراتی از تسلیم شدن **سعید بیگ** که برای اظهار اطاعت و سر سپردگی به حضور حافظ پاشا آمده بود سخن می گوید: (همان کتاب، صفحه 264):

"وقتی فکر می کردم که او قلعه زیبایی را تسلیم می کند و تازه بعد از این حرفها اطمینان ندارد که بتواند جان سالم بدر ببرد نمی توانستم از تحسین و تمجید نسبت به رویه لاقیدانه و مطمئنی که او در حین نزدیک شدن و بوسیدن دست پاشا از خودنشان داد خود داری کنم". (مولتکه).

شورشها از پی هم ادامه مییابد . پس از شکست ترکان در ماه مه 1839 در نصیبین

محمود پاشا در سیلمانیه سربه شورش برداشت. دولت عثمانی بجای او کس دیگری را به حکومت آنجا گماشت، و محمود پاشا به ایران پناه برد. دخالت‌های روس و انگلیس در 1843 مانع از وقوع جنگ تازه ای بین ایران و عثمانی گردید.

5. شورش بدخان بیگ (1843 - 1846)

محققانی که در این باره سخن گفته اند (مینورسکی، سوون، آدامف، ویگرام) مو-جبات این شورش را بیشتر در نتیجه اجحافات می‌دانند که بدرخان و نورالله بیگ نسبت به نسطوریان مسیحی همکاری میکردند. اینان مغلوب توپال پاشا شدند (می گویند پسر عموی بدرخان به او خیانت کرد). در صورت موافقت با نظریه: پ. روندو (کتاب عشایر، صفحه 6) می توان گفت که: ".... این درگیریهای بین کردان و مسیحیان کوه نشین که از دید اجتماعی بسیار به هم شبیهند مربوط به مسائل عشیرتی بوده است نه مذهبی"، لیکن در میان اعقاب بدرخان عقیده دیگری در این باره رایج است (رجوع شود به کتاب مسئله کرد، تالیف دکتر بلچ شیرگو Dr bletch Chirguh چاپ 1930 قاهره، صفحات 14 - 17). بدرخان با استفاده از آشفتگی او-ضاع ترکان پس از شکست نصریبین، قلمرو نفوذ خود را تا وان و موصل و ساوجبلاغ و ارومیه و دیاربکر گسترش داد. چند تن از خوانین بزرگ کرد، از جمله کورحسین بیگ قارص و آجره و امیر اردلان با او متحد شده بودند. باری، در 1845، در گرما گرم تدارکات او، نسطوریان سر به شورش برداشته و از پرداخت مالیات و عوارض به بدرخان سرپیچی کرده بودند، بطوریکه بدرخان ناچار شد ایشان را به فرمانبرداری از خود بازگرداند (رجوع شود به مقاله خود من در E.I.، راجع به نسطوریان).

به هر حال گواهی‌هایی از ارمنیان در دست است که ظاهراً ثابت می کند بدرخان در مسائل مذهبی سیاست سازگاران‌ه ای را دنبال می کرده است. او خود را رئیس و رهبر روحانی مناطق آزاد شده از زیر سلطه ترکان می دانسته است (رجوع شود به تاریخ کرد و ارمنی، تالیف آگوپ شهباز، چاپ 1911 قسطنطنیه و به یک مقاله در مجله حیرانیک منتشر در قسطنطنیه، مورخ ژانویه 1930).

بدرخان سالهای دراز در تبعید، در کاندی (جزیره کرت) و دمشق، زندگی کرد و هما-نجا در سال 1868 جهان را به درود گفت (رجوع شود به تاریخ لطفی، صفحه 227).

6. شورش یزدان شیر (1853 - 1855)

این شورش نیز با استفاده از مشکلاتی که بابعالی در جنگ با روسیه پیدا کرد بود در هکاری و بوتان سرگرفت. یزدان شیر ابتدا بیتلیس و موصل و سپس همهء سرز- مینهای بین وان و بغداد را تسخیر کرد. نسطوریها همه در زیر پرچم او گرد آمدند. در سال 1855 به وعده های نمردسام کاگزار قونسولگری انگلیس اعتماد کرد، در دستگیر و به قسطنطنیه فرستاده شد. عبدالرحمن پاشا ببه تبدیل به قهرمان ملی شد و شعرهایی در " بیتهای " فولکوری کردی هست که خاطره او را زنده نگاهداشته است (رجوع شود به کتاب مجموعهء حکایتها ونغمه های کردی بلهجهء تور عابدین، تالیف پیریم Prym و سوسین Socin ، چاپ 1887 سن پطرسبورگ، صفحهء 64 و پس از آن).

7. شورش شیخ عبدالله نهری (1880).

هدف این شورش مهم اخیر که پیش از انقلاب ترکیهء جوان روی داد تحصیل استقلال برای سرزمین کردستان بود. این شورش در خاک ایران و در نقاط هم مرز با شمدینان (ارومیه و بناب و مراغه) روی داد، و حتی مدتی تبریز نیز در معرض تهدید قرار گرفت. سرانجام، کردها ناگزیر به عقب نشینی به خاک ترکیه شدند. دولت ایران اعتراضات شدیدی کرد و آخر با دخالت نظامی مشترک ایران و عثمانی به فعالیتهای شیخ شورشی پایان داده شد. شیخ عبیدالله را ابتدا به قسطنطنیه بردند و سپس از آنجا به مکه تبعید کردند. پس از آنکه انقلاب ترکیهء جوان صورت گرفت تنها پسر کهنتر شیخ عبیدالله، موسوم به شیخ عبدالقادر که بعدها سناتور ترکیه شد، از مکه بازگشت (رجوع شود به کتاب آبی، به زبان انگلیسی، شمارهء 5 ، سال 1881، و کتاب روسی سرهنگ کاماسارگان Kamasarakan ، دربارهء محاصرهء ارومیه، ونیز مقاله تحقیقی خود اینجانب در بارهء افشارها، منتشر در J.A. ، ماههای ژانویه و مارس، صفحات 100 - 105).

برای یاد آوری لازم اشاره ای هم به تلاشهای نا فرجام دو پسر بدرخان به نامهای امیرامین اعالی بیگ و امیر مدحت بیگ در 1889 بکنیم که هر دو در کمینگاه غافل گیر و دستگیر شدند، و نیز به ابراهیم پاشا رئیس کردهای ملی (رجوع شود به پ. روندو، همان کتاب، صفحات 34 - 39 ، و به فصل ششم کتاب ا. بانسه E.Banse تحت عنوان در سایهء ابراهیم پاشا، صفحات 74-76). بعضی از عشایر کرد، از قبیل موتکی Moutki ، در ناسازگاری با مقامات دولت عثمانی مشهور بودند.

. . . . ادامه

ب) تلاشهای مربوط به سازماندهی نهضت ملی

Chia.rabii@yahoo.com

2010/5/11

مالمو سوئید.